

حافظ در سایه سار قرآن



کنم یا به خاطر قطع هزینه زندگی آن مستسه از طلاب، تدریس را رها کنم تا بالاخره یک روز که متحیر بودم چشمم به دیوان حافظ خورد و تقال زدم که ایا تدریس اسفار را قطع کنم یا نه که در جواب آمد:

من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم

محتسب داند که من این کارها کمتر کنم

من که عیب توبه کاران کرده باشم یارها

توبه از گل وقت گل دیوانه باشم گر کنم

با دیدن این شعر به تدریس خود ادامه دادم و آیت الله بروجردی نیز دست از مخالفت برداشت.

در برداخت به مسأله تاثیر پذیری حافظ از قرآن باید نخست به این شبهه پاسخ دهیم که چرا اشعار حافظ به طور مستقیم به اسرار الهی اشاره نمی کند و با لفظ به بازی می بردازد تا آن حد که بعضی چون کمسروی فرمان آتش زدن دیوان او را صادر می کنند و معتقدند او زندگی تمام عیار بوده است. در پاسخ به این شبهه باید گفت ایا اطلاع از رویدادها و سوانح زندگانی او آنان را به چنین نتیجه ای رسانده است و یا بر پایه اسناد و مدارک تاریخی این کلام را بر زبان جاری کرده اند، همان تاریخی که در نسبت دادن فسق و فجور و فساد و برده نشینی به عارفان و عزلت گزینی شاعران سنگ تمام گذارده است؟ حافظ برخاسته از دوران حکومت مغول است. در این دوره تاریخی بود که به دستور هلاکو خان شیبیان و عارفان را بی هیچ ملاحظه ای به قتل می رسانند. با این توضیح به ابهام دیگری نیز پاسخ می دهیم و آن فلسفه ظاهرگویی حافظ است یا آنکه او استاد ممانی است. باید گفت حافظ در این ویژگی کاملاً تحت تاثیر قرآن است. همان گونه که آیات قرآن ظاهری و باطنی دارد و برپای باطن آن نیز بطن هایی است که در روایات به هفت یا هفتاد بطن اشاره شده شعر حافظ نیز تحت تاثیر قرآن است و ظاهری به نام لفظ و باطنی به نام معنا دارد که از آن چند تفسیر دیگر نیز می توان استخراج کرد.

راستی چه چیزی است در شعر حافظ و چه جذبه ای است در سفینه غزل او که آرام بخش روح و نرم جان است. با تگاهی به غزل حافظ می توان به این راز دست یافت:

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ

هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم

راز ماندگاری و تاثیر شگرف اشعار او در عشق به قرآن و تاثیر ژرف او از آیات الهی است که در ایام مختلف معنی زبان و بلاغت آشکار می شود.

عشقت رسد به فریاد از خود به سان حافظ

قرآن ز برخوانی در چارده روایت

حافظ با تفسیر قرآن از جمله تفسیر «کشف زمخسری» و «کشف کشف شیخ الاسلام سراج الدین» آشنا بوده و این تفسیر ها که بیشتر راجع به فون بلاغت قرآن است، تاثیر زیادی در صیقل خوردن هنر بلاغت و فصاحت شعر حافظ داشته است.

حافظ همان غزلسرای بنامی است که تاریخ، نام بر او زده اش را نه تنها در جرگه شاعران که در صدر کارنامه عارفان جهان ثبت کرده است. گوته شاعر و ادیب مشهور اروپا پس از سال ها مطالعه در ادبیات منظوم جهان به این نتیجه رسید که زبان حافظ اعجاز شعر تاریخ است و هیچ گاه تکرار نخواهد شد.

خواجه حافظ شیرازی، شاعر شهیر قرن هشتم هجری، دوست دانستی ترین و تاثیر گذارترین شاعر در فرهنگ و ذهن و زبان مردم ایران است. او دوستدارانی در حد شیفتگی در میان همه طبقات از عامه مردم گرفته تا عارفان و فیلسوفان شرقی و غربی دارد.

اهل دلی از علامه عارفان و حکمت علامه سید محمد حسین طباطبایی پرسید: چه کسی را از اهل کمال می شناسید که برتر از خواجه زبان به سرودن گشوده باشد؟ و علامه در پاسخ فرمود: خواجه! گویا اگر بخواهیم در دنیای شاعران نیز همطرازی برای او بیابیم، دست به دوری باطل زده ایم.

حافظ قرآن را با چهارده روایت از حفظ داشته و تخلص شعری خود را هم از همین جهت گرفته است و نه آنگونه که برخی پنداشته اند که به جهت حافظ ادوار موسیقی بودن او است. راز ماندگاری شعر حافظ را باید در عشق به قرآن و اثر پذیری همه جانبه از قرآن جستجو کرد. حافظ شیفتگانی چون علامه طباطبایی، شهید مطهری، ملا محسن فیض کاشانی و ملاهادی سبزواری دارد و بعضی از آنان نیز در مورد او شعر سروده و به او تقال زده اند. ملا هادی سبزواری در مورد او سروده است:

هزاران آفرین بر جان حافظ

همه غرقیم در احسان حافظ

ز هفتم آسمان غیب آمد

لسان الغرش اندر شان حافظ

بیمبر نیست لیکن نسخ کرده

اساطیر همه دیوان حافظا...

ملا محسن فیض کاشانی درباره حافظ سروده است:

ای یار مخوان ز اشعار الا غزل حافظ

اشعار بود بیکار الا غزل حافظ

در شعر بزرگان جمع کم یابی تو این هردو

لطف سخن و اسرار الا غزل حافظ

استاد غزل سعدی است نزد همه لیکن

دل را نکند بندار الا غزل حافظ

آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی از علامه طباطبایی نقل می کند: وقتی از تبریز به قم آمدم و تدریس اسفار را شروع کردم آیت الله بروجردی فرمود: شهریه طلابی که به درس اسفار می آمدند فطع کنند من در این میان مرده ماندم که آیا به عنای علمی حوزه بیاندیشم و اسفار را تدریس

طبق شهادت تاریخ و با استفاده از اشعار او، معالجات عمیق عرفانی و قرآنی حافظ در دیوانهای شعر عربی و فارسی و کتب قرآنی، تفاسیر و آثار عرفانی مشخص می شود. او با کتابهایی چون «تمهیدات» و «نامه های» «عین القضاة» همدانی، «مرصاد العباد» نجم الدین رازی، «سوانح» احمد غزالی، «لمعات» عراقی و «مصباح الهدایه» محمود کاشانی آشنا بود و از تمام این کتابها تأثیری فراوان پذیرفت.

موضوع دیگری که در غزلیات او بسیار به چشم می خورد به قول حافظ «نظم پریشان» نامیده می شود. حتی شاه شجاع نیز که پادشاه زمان او بوده این ایراد را بر حافظ گرفته که چرا به جای تک مضمونی و پرورش یک مضمون، چندین مضمون را با هم پرورده است در واقع این ویژگی را حافظ از قرآن الهام گرفته است زیرا شیوه سوره های قرآن نیز تعدد مضامین و مفاهیم است نه وحدت موضوع در یک سوره.

حافظ آن ساعت که این نظم پریشان می نوشت

طلار فکرش به دام اشتیاق افتاده بود

اشعار حافظ نیز همچون آیات قرآنی که توجهی عمیق به عام و خاص و مطلق و مقید دارد به همین شکل سروده شده و به راحتی می توان در دیوان او این جلوه ها را یافت. در واقع اگر به دیوان حافظ نیز به شکل جزئی و به غزلها مستقل و ابیات جداگانه بنگریم در نوع جهان بینی او دچار مشکل می شویم در حالی که اگر همه ابیات و غزلها را چون یک سمفونی در نظر بگیریم به درکی کامل از مضامین عالی آن خواهیم رسید.

حافظ در زمان خود شهره شعر و شاعری نبوده بلکه عالمی اصولی و اهل قبل و قال مدرسه و ابواب فقهی بوده است، او در زمان خود متکلمی بنام و از عرفا و فقیهان روزگار بوده است که نام خود را با چارده روایت قرآن جاودان ساخته است.

ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد

لطف حکمی با نکات قرآنی

در تدوین این نوشتار از منابع زیر بهره برده شده است:

۱. غنی سعادت پرور، جمال آفتاب، ج ۱، تهران، نور، ۱۳۶۸.
۲. محمد حسین حسینی تهرانی، مهر تابان، قم، باقر العلوم.
۳. قاسم غنی، تاریخ عصر حافظ، چاپ چهارم، تهران، زوار، ۱۳۶۶.
۴. داریوش عاشوری، عرفان وزندی در شعر حافظ، تهران، ۱۳۷۵.
۵. محمدرضا برزگر، شاخ نبات حافظ، تهران، ۱۳۸۱.

